

یادداشت

دلان برای مادر پیرمان تنگ شده!

اعلام آمادگی دانشمند سرم شناس هندی که از تبار پارسیان است تنها یکی از ظرفیت‌های ایرانی تباران در دیگر نقاط جهان است. بیایید برای هموطنان کوچیده از وطن و مقیم در غربت ارزش بیشتری قائل باشیم، گاه به دیدن‌شان برویم و گاه به سرزمین مادری دعوتشان کنیم. بیایید با صله ارحام مهربان باشیم. صدایشان را بشنویم و ببخشیم تا بخشیده شویم.

پرسون؛ در خبرها به نقل از وزیر بهداشت آمده بود که یک دانشمند هندی سرم شناس ایرانی تبار برای فروش ۲۰ میلیون دوز واکسن کرونا به ایران ابراز علاقه کرده است. در منظر اول اصل این خبر مسرت بخش است اما در بطن آن نکته مهمی نهفته است. باید سؤال کنیم چگونه است که یک هندی پس از حدود ۱۴۰۰ سال که نیاکانش با دلخوری از ایران به هند مهاجرت کرده‌اند هنوز خود را ایرانی می‌داند و برای کمک به ایرانیان ابراز علاقه می‌کند! بعید می‌دانم در هیچ کجای دنیا چنین پیوند دیرینه‌ای وجود داشته باشد! البته نمی‌توان از نظر دور داشت که مهاجرت زرتشتیان از ایران به هندوستان نه اولین مهاجرت ایرانیان به سرزمین‌های دیگر و نه آخرین آن بوده ...

بلکه ایرانیان در طول تاریخ به بخش‌هایی از چین، به سیام یا همان جنوب شرق آسیا (مالزی و سنگاپور و تایلند امروزی)، به سیلان (همان سریلانکای امروزی)، به شمال آفریقا، به آسیای میانه، به اندلس (اسپانیای امروزی) و در قرون اخیر به نقاط مختلف اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی مهاجرت کرده‌اند و گاه این مهاجرت‌ها آنقدر زیاد و تأثیرگذار بوده که خرده فرهنگ جدیدی در کشور مقصد به وجود آورده است. فارغ از بررسی ریشه‌های تاریخی و سیاسی و دلایل این مهاجرت‌ها، همه ایرانی تباران در هر کجای جهان فقط به عشق مادر پیر مهربانی به نام ایران و برادرانی چون دماوند و سهند و سیلان و دنا و تفتان و خلیج فارس و بحر خزر و خواهرانی چون کارون و زاینده رود و سپید رود و فرهنگ و آیینی قوام یافته و کهن، که در تار و پود هر ایرانی اصیل در هر کجای دنیا ریشه دوانده، به وطن دیرینه‌شان عشق می‌ورزند و هرگز فراموشش نمی‌کنند. نکته شگفت آنجاست که بعید می‌دانم قومی پس از ۱۴ قرن بتواند با داشته‌های اصیل خود، آن هم در میان فرهنگ و آیینی دیگر دوام بیاورد و در فرهنگ مقصد استحاله و ادغام نشود و بر پیوندهای میهنی و خونی و آیینی خود بقا یابد. قطعاً این مورد درباره پارسیان هند یک شگفتی ویژه در تاریخ است.

به روایت تاریخ پس از حمله اعراب به ایران برخی از هموطنان زرتشتی که شرایط موجود را تاب نیاوردند مهاجرت را به مقاومت و درگیری ترجیح دادند. تعدادی از این هموطنان از مناطق شمالی بویژه از شهر ساری به سوی هندوستان مهاجرت کردند. آنها در منطقه‌ای در ایالت گجرات هندوستان مستقر شدند و آنجا را آباد کردند و آنجا را ساری نو (navsari) نام نهادند. گروه دیگری از خراسان و شهر سنگان به سوی هندوستان رفتند و گروهی از جنوب با کشتی راهی هندوستان شدند. گروه سوم در راه گرفتار طوفان شدند و با دعا و استغاثه و پناه بردن به آتش مقدس که با خود می‌بردند نجات یافتند و بالاخره به هندوستان و ایالت گجرات رسیدند. مهاراجه گجرات، زرتشتیان ایران یا همان پارسیان را با قبول سه شرط پذیرفت. اول آنکه زبان گجراتی را بیاموزند، دوم آنکه زنان‌شان لباس زنان هندی پوشند و سوم آنکه سلاح بر زمین بگذارند و با صلح زندگی کنند. زرتشتیان مهاجر شروط سه گانه مهاراجه را پذیرفتند و حالا قرن‌هاست با صلح و آرامش در هندوستان زندگی می‌کنند. هر چند کل جمعیت پارسیان در سراسر جهان از ۱۰۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کند و تعداد آنها در هندوستان قریب به ۷۰ هزار نفر است اما همین تعداد اندک در برابر جمعیت انبوه هند دارای اعتبار و جایگاهی رفیع‌اند و در ایالت ماهاراشترای و بمبئی منشأ اثرند. اینها بسیاری از امور کلان اقتصادی را در دست دارند و در مجموعه‌های فرهنگی و هنری و سیاسی نیز فعالیت‌های چشمگیری دارند. اما شگفت آنکه پارسیان هرگز ریشه‌های تاریخی آیینی خود را فراموش نکرده‌اند و هر گاه فرصتی یافته‌اند به هموطنان دیرینه خویش، بویژه در یزد، کمک کرده‌اند و ایجاد برخی ابنیه خاص در یزد حاصل کمک پارسیان هندوستان است.

چنین همبستگی محکمی میان ایرانی تباران و مادر پیرشان، گنجینه ارزشمند و قابل تأملی است که در حوزه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بویژه دیپلماسی منطقه‌ای نقش انکارناپذیری دارد، نقشی که ساختار دیپلماتیک ما هنوز آنچنان که شایسته است از آن بهره نبرده است. یکی از دلایل چنین خلأیی بد اخلاقی و بی‌اعتمادی سیاستگذاران ما به ایرانی تباران مقیم ۵ قاره است که حتی در برخی موارد به آنها فرصت دیدار از سرزمین مادری را نداده‌اند. ایرانی تباران در هر کجای دنیا که باشند یک آرزو بیشتر ندارند و آن اینکه روزی سر بر زانوی مادر پیر ایران بنهند و لحظه‌ای بیارامند.

اعلام آمادگی دانشمند سرم شناس هندی که از تبار پارسیان است تنها یکی از ظرفیت‌های ایرانی تباران در دیگر نقاط جهان است. بیایید برای هموطنان کوچیده از وطن و مقیم در غربت ارزش بیشتری قائل باشیم، گاه به دیدن‌شان برویم و گاه به سرزمین مادری دعوتشان کنیم. بیایید با صله ارحام مهربان باشیم. صدایشان را بشنویم و ببخشیم تا بخشیده شویم.

نویسنده: سیدجمال هادیان طبایی زواره